

برنامه حزب کمونیست ایران (بلشویک) مصوبه کنگره انزلی

سندی که در زیر خواننده با آن آشنا می‌شود، برنامه مصوبه نخستین کنگره حزب کمونیست ایران است که در شهر انزلی (پهلوی کنونی) از ۳ تا ۵ خرداد ۱۲۹۹ (۲۳ تا ۲۵ ژوئن ۱۹۲۰) برگزار گردید. این سند تاریخی از پس از تغییر سیاست اتحاد شوروی و (کمونیست‌های) ایرانی هوادار آن به بوته فراموشی سپرده شد، تا جایی که (وارثین) جنبش کمونیستی ایران حتا یک بار هم در بررسی‌های تاریخی خود بدان اشاره نکرده، چه رسد به این که آن را «قابل انتشار» بدانند.

این سند که متأسفانه به علت عدم دسترسی به متن فارسی آن از روی متن روسی‌اش نخست به فرانسه و سپس به فارسی برگردانده شده است. با زبان فارسی آن عصر مجدداً منتشر نمی‌شود، و این جای بسی تأسف است. ناگفته نماند ترجمه‌یی از این سند در کتابی به زبان آلمانی در مورد جنبش گیلان نشر یافته است، (نگاه کنید به نقد این کتاب در مانیفست یکم) نادقیق و دارای کمبودهایی است.

ما امیدواریم که جست‌وجوهای بعدی ما، انتشار اصل سند را میسر سازد. اهمیت این سند از متن آن پیداست و لزومی به مقدمه ندارد. گفتن این نکته ضروری است که نقش اصلی تنظیم این سند به عهده رفیق **سلطان‌زاده** بوده است.

ویراستار [دکتر خسرو شاکری‌زند]

انقلاب اکتبر (۲۵ اکتبر [تقویم قدیم] ۷ نوامبر [تقویم جدید]) ۱۹۱۷، و پایان ظفرمند جنگ داخلی در روسیه، مبارزه شدید طبقاتی در آلمان، اتریش، مجارستان، و اعتصابات عمومی ممتد در فرانسه، انگلستان، و آمریکا و غیره، نشان می‌دهد که جامعه سرمایه‌داری عمیقاً "شکاف برداشته، عصر انقلاب جهانی پرولتری کمونیستی فرا رسیده است.

این انقلاب نتیجه اجتناب‌ناپذیر انکشاف سرمایه‌داری بود که استثمار و ستم خلق‌های عقب‌مانده را تا سرحد ممکن می‌راند.

ویژه‌گی جامعه بورژوا عبارت از تولید کالایی بر اساس مناسبات تولیدی سرمایه‌داری، که در نتیجه آن مهم‌ترین و اساسی‌ترین وسایل تولید، یعنی کارخانجات و موسسات تولیدی، بانک‌ها و اراضی و غیره به طبقه قلیل‌العدیه‌ی از مردمان ثروت‌مند تعلق دارد، در حالی که اکثریت عظیم اهالی رنجبران هستند که مجبورند به علت وضع اقتصادی‌شان، مداوماً یا متناوباً "نیروی کار خود را بفروشند، یعنی چون مزدور نزد سرمایه‌داران و مالکان ارضی کار کنند و از طریق کار خود برای طبقات بالای جامعه ایجاد درآمد کنند.

انکشاف تکنیک (فنون) و وسایل حمل و نقل، بر اهمیت اقتصادی موسسات بزرگ می‌افزایند و موجبات اضمحلال تولیدکننده‌گان و صاحبان کارگاه‌های کوچک صنعت‌گران و غیره را فراهم می‌آورند، و از اهمیت اقتصادی آنان در جامعه تولیدی تا حد قابل ملاحظه‌ی می‌کاهد و آن‌ها را در یک وابسته‌گی سنگین نسبت به سرمایه‌قرار می‌دهد.

تولیدکننده‌گان کوچک ورشکسته از این نوع پاره‌وار به پرولتر بدل شده در خدمت سرمایه‌دار و مالک ارضی قرار می‌گیرند، و پاره‌وار به یک زنده‌گی گرسنه و محنت‌بار ادامه می‌دهند.

در عین حال، همین پیشرفت تکنیک، به کارگرفتن زنان و کودکان را در پروسه تولید در سطحی وسیع میسر می‌سازد. و از آنجا که از سوی دیگر انکشاف فنون کاهش نسبی نیاز صاحبان صنایع را به نیروی کار زنده کارگران موجب می‌گردد، تقاضا برای نیروی کار لامحاله نسبت به عرضه آن پس می‌افتد، و در نتیجه آن وابسته‌گی کار مُزدور نسبت به سرمایه فزونی یافته، و نرخ استثمار او افزایش می‌یابد. نیروهای مولده هم‌واره بالنده جامعه سرمایه‌داری مداوماً در جست‌وجوی مناطق جدیدی برای فروش کالاهای تولید شده است. بازار داخلی برای این [امر] ناکافی است، زیرا افزایش لاینقطع تولید بدون رشد متناظر مصرف صورت می‌گیرد. سرمایه‌داری نمی‌تواند بدون رشد مداوم حیطه فرمان‌روایی خود و توسعه استثمار در مناطق جدیدی از کره ارض و کشاندن ممالک کهن غیر سرمایه‌داری به درون گرداب اقتصاد جهانی، ادامه حیات دهد و خود را انکشاف بخشد.

((چنین وضعی در کشورهای بورژوا، و رقابت مداوماً بالنده‌ی این کشورها در عرصه بازار جهانی عرضه کالا را که به نحوی فزاینده تولید می‌شود، هرچه دشوارتر می‌سازد. اضافه تولیدی که در دوران‌های رکود کم و بیش طولانی صنعت پدید می‌آید، بیان نتیجه اجتناب‌ناپذیر انکشاف نیروهای مولده در جامعه‌ی بورژوازی است. بحران‌ها و دوران‌های رکود صنعتی به نوبه خود، هم‌واره موجبات ویرانی تولیدکننده‌گان کوچک را فراهم می‌آورند و وابسته‌گی کار مُزدور را در مقابل سرمایه هرچه بیش‌تر می‌سازد و وضعیت طبقه کارگر را با سرعت بیش‌تری به طور نسبی یا مطلق وخیم می‌سازد.

بدین ترتیب تکامل تکنیک در جامعه‌ی بورژوایی، که به معنی افزایش بازدهی کار و افزایش ثروت اجتماعی است، افزایش نابرابری اجتماعی با افزایش فاصله

طبقاتی بین دارایان و نداران [اغنيا و فقرا]، افزایش ناامنی معیشت، بی‌کاری، و محرومیت‌های مختلف هرچه وسیع‌تر توده‌های زحمت‌کش را شدت می‌بخشد. اما هم‌راه با رشد و انکشاف این تضادها ویژه جامعه‌ی بورژوازی، نارضایتی توده‌های استثمار شده زحمت‌کش نیز رشد کرده، ضرورتاً بر تعداد پرولترها افزوده و همبسته‌گی، مبارزه‌شان علیه استثمارگران شدت می‌یابد. در عین حال، تکامل تکنیک با تمرکز وسایل تولید و مبادله و اجتماعی ساختن پروسه کار در موسسات سرمایه‌داری بیش از پیش، این امکان مادی را فراهم می‌آورد که مناسبات کمونیستی، یعنی انقلاب سوسیالیستی که هدف نهایی تمام فعالیت‌های حزب کمونیستی بین‌الملل، به مثابه سخن‌گوی آگاه جنبش طبقاتی است، جانشین مناسبات تولید سرمایه‌داری شوند. انقلاب اجتماعی پرولتاریا پس از نشان دادن مالکیت اجتماعی به جای مالکیت خصوصی وسایل تولید و مبادله، و پس از مستقر ساختن سازمان برنامه‌دار برای پروسه تولید که تضمین‌کننده بهروزی و انکشاف همه جانبه همه اعضای جامعه باشد، تقسیم جامعه به طبقات را از بین خواهد برد و از این طریق همه‌ی بشریت ستم‌دیده را خواهد رهانید، و هم‌چنین به تمام جوانب استثمار یک بخش از جامعه از بخش دیگر پایان خواهد داد. یکی از شرایط اجتناب‌ناپذیر این انقلاب اجتماعی دیکتاتوری پرولتاریا است، که عبارت باشد از تسخیر قدرت سیاسی به دست پرولتاریا به نحوی که به او اجازه دهد هر نوع مقاومتی از جانب استثمارگران را در هم شکنند. حزب کمونیست بین‌الملل با علم به این وظیفه خود که باید پرولتاریا را قادر سازد تا رسالت بزرگ تاریخی خود را به انجام برساند، او را در مقابله با تمام احزاب بورژوازی در یک حزب مستقل سیاسی سازمان می‌دهد، تمام تظاهرات مبارزات طبقاتی او را رهبری می‌کند، و از تمام تضادهای آشتی‌ناپذیر بین منافع استثمارگران و استثمارشونده‌گان پرده بر می‌گیرد، و کل

معنای تاریخی و شرایط اجتناب‌ناپذیر انقلاب اجتماعی آینده را بر او روشن می‌سازد. هم‌راه با این، او [حزب کمونیست بین‌الملل] از وضع لاعلاج همه دیگر توده‌های زحمت‌کش و استثمارشده، در جامعه‌ی سرمایه‌داری و از ضرورت اجتناب‌ناپذیر انقلاب اجتماعی که برای رهایی ایشان از یوغ سرمایه است، پرده بر می‌دارد. حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست، تمام اقشار جماعت زحمت‌کش و استثمارشونده را فرا می‌خواند تا به او به پیوندند و نقطه‌نظر پرولتاریا را به پذیرند.

پروسه تجمع و تمرکز سرمایه، با از میان برداشتن رقابت آزاد در آغاز سده بیستم به ایجاد اتحادیه‌های انحصاری نیرومند سرمایه‌داری منجر گشت: سندیکا، تراست که در کل حیات اقتصادی اهمیت تعیین‌کننده‌ی کسب کردند، ادغام سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی با تجمع و صدور روز افزون سرمایه به خارج. تراست‌ها که گروه‌های تامی از قدرت‌های سرمایه‌داری را از بر می‌گرفتند، به تقسیم اقتصادی جهان دست یازیدند که پیش از این، از نظر ارضی بین کشورهای غنی تقسیم شده بودند. این عصر سرمایه مالی که لامحاله مبارزه بین دول سرمایه‌داری را شدت می‌بخشید عصر امپریالیسم است. از این جاست که جنگ‌های امپریالیستی اجتناب‌ناپذیر می‌گردند. جنگ برای بازار فروش کالا، برای حیطة کاریست سرمایه، برای مواد اولیه و نیروی کار، یعنی برای سیادت بر جهان و قدرت [ورزی] بر خلق‌های کوچک و ضعیف. چنین بود درست نخستین جنگ بزرگ امپریالیستی سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۴.

درجه انکشاف خارق‌العاده سرمایه‌داری جهانی در کل، جانشینی رقابت آزاد توسط سرمایه‌داری انحصاری - حکومتی، تدارک دستگاه تنظیم اجتماعی پروسه تولید و توزیع محصولات توسط بانک‌ها و اتحادیه‌های سرمایه‌داری و گرانی روز افزون هزینه زنده‌گی مربوط به رشد انحصارات سرمایه‌داری، افزایش قیمت‌ها و

ستم به طبقه کارگر توسط سندیکاها^۱، کشیدن او به زنجیر برده گی توسط حکومت امپریالیستی، دشواری عظیم مبارزه اقتصادی و سیاسی پرولتاریا، محنت و فلاکت و ویرانی ناشی از جنگ امپریالیستی، تمام این‌ها سقوط سرمایه‌داری و گذار به نوع برتری از اقتصاد اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر ساخت.

اگر این آخرین مرحله سرمایه‌داری توده‌های زحمت‌کش کشورهای (متمدن) پیش‌رفته را در وضعیت بسیار دشواری قرار داد، خاور زمین را به قبرستان سراسری فقرای گرسنه بدل ساخت که در اثر سیاست استعماری قدرت‌های بزرگ تقریباً از اولیه‌ترین امکانات تامین معاش محروم ماندند.

تازه در سال‌های ۷۰ [۱۸ بود که] ایران دوران شکوفایی سرمایه‌داری تجاری را می‌گذراند و در کنار آن سرمایه‌داری ربایی [هنوز] وسیعاً عمل می‌کرد. از آن تا کنون، وضعیت تغییر محسوس نیافته است. سیاست استعماری انگلستان و روسیه، با مانع شدن از انکشاف صنایع خود وی [ایران] او را به بازاری برای فروش محصولات صنعتی خویش بدل ساخت و منابع جدید مواد خامی برای تامین مراکز بزرگ صنعتی اروپا پدید آورد. واردات عظیم محصولات صنعتی ارزان قیمت تولیدکننده‌گان دستی کوچک و صنعت‌گران را در نبرد بازنده‌ی نابرابر رقابت برای همیشه ویران ساخت، و به خیل فقرای شهری سرازیر نمود.

اگر در کشورهای اروپایی این دوره عذاب‌آور انباشت آغازین طولی نکشید، اگر در آن‌جا رشد سریع کارخانجات و مراکز صنعتی آنان [فقرا] را به سرعت به گرد هم آورد و در گرداب صورت‌بندی‌های جدید اقتصادی آنان را به پرولترهای واقعی با جهان‌بینی طبقاتی صریح‌البیان بدل ساخت، در کشورهای خاور برعکس، این وضع به مهاجرت دائمی تقریباً ۱۰ میلیون فقرای گرسنه به مراکز صنعتی اروپا

^۱ - مقصود نه اتحادیه‌های کارگری بل اتحادیه‌های شرکت‌های سرمایه‌داری است. مترجم

و امریکا منجر گردید، و امروز دیگر آن قدرتی وجود ندارد که قادر باشد این حرکت را حتا برای یک دقیقه هم متوقف سازد.

همراه این [وضع] در این جا [شرق] توده‌های دهقانی در اوضاع و احوال شدیداً "محنت باری زنده گی می کنند. صدای زنجیرهای برده گی فئودالی هنوز تقریباً در همه شرق به گوش می رسد.

قسمت اعظم مالیات و درآمدهای حکومتی‌ها با تمام وزن خود بر دوش این قربانیان بخت برگشته، مالکان ارضی خودکامه، سنگینی می کند. دهقانان در این جا تقریباً تنها طبقه مولداند. اینان نه فقط باید معاش خود و خانواده‌شان را تامین سازند، نه فقط مالکان ارضی سیرنشدنی، بازرگانان و کسبه بی شمار را، بل که هم چنین اشتهای بی حساب گروه (باند) غارت گران کارمندان دولتی را ارضا نمایند که به هنگام درو، چون لاش خوران گرسنه بر ایشان هجوم می آورند. طبقات ستم دیده و اسیر برده گی در شرق به علت عقب مانده گی سیاسی و اقتصادی شان هنوز علاوه بر وجود نیروی انقلابی بالقوه به حرکت در نیامده در هیچ جا نتوانسته اند یک حزب انقلابی با اساس مستحکم ایجاد کنند. در عین حال ما شاهد جدایی بی در میان طبقات حاکم هستیم؛ اگر منافع مالکان بزرگ ارضی ادامه سیاست استعماری قدرت های بزرگ را می طلبد، بورژوازی شهری برای تامین منافع خویش با تمام قوا علیه دخالت خارجی قد علم می کند، اگر روحانیان علیه واردات کالا از کشورهای کافر اعتراض می کنند، بازرگانان و کسبه به جدل سرسختی علیه ایشان دست می یازند. در بین طبقات حاکم، که استثمار کارگران کشور برخی از ایشان را در وابسته گی به بازارهای متروپل قرار می دهد و برخی دیگر را به دنبال استقلال می کشاند، احساس یگانه گی نه وجود دارد، و نه می تواند وجود داشته باشد.

تمام این اوضاع و احوال موقعیتی با امکانات بسیار وسیع انقلابی ایجاد می‌کند که با توجه به ضعف بورژوازی باید لامحاله از [مرحله] ملی به [مرحله] اجتماعی تغییر یابد. همسایه‌گی و نزدیکی روسیه پرولتری، این منبع عظیم نیروی انقلابی، برای جنبش‌رهایی بخش تمام طبقات ستم‌دیده و استثمارشده خاور نزدیک و دور اهمیتی تقریباً "تعیین‌کننده در خواهد داشت."

ایران یکی از نمونه‌وارترین کشورهای شرق است که در آن روشن‌تر از هر جای دیگر این امتزاج و این ستم امپریالیستی و بی‌دادگری استعماری به چشم می‌خورد.

حزب کمونیست ایران وظایف مشخص دیکتاتوری پرولتاریا را در ایران که توده‌های کارگری آن عمدتاً در مناطق مرزی قفقاز و ترکستان ساکن‌اند، در حالی که در داخل کشور فقیرترین بخش دهقانان، و اقشار خرده بورژوازی اهالی تفوق دارند، به شرح زیر انکشاف می‌دهد:

در قلمرو سیاست عمومی

۱. حتا دموکراتیک‌ترین نظام پارلمانی یا جمهوری بورژوازی که مبین شعار و اراده تمام خلق، تمام ملت و تمام طبقات باشد، با توجه به وجود مالکیت خصوصی بر زمین و دیگر وسایل تولید، هم‌چنان در عمل دیکتاتوری بورژوازی باقی خواهد ماند، یعنی دستگاهی برای استثمار و ستم‌مشتی مالک ارضی و سرمایه‌دار بر اکثریت عظیمی باقی خواهد ماند. در تقابل این [نظام]، دموکراسی پرولتری یا شورایی (ساویت) که در روسیه و یک سلسله دیگر از کشورها تحقق یافته، قرار داد و قدرت سازمان‌های توده‌یی، یعنی طبقات اسیر سرمایه‌داری - پرولترها و نیم

پرولترها - یعنی اکثریت عظیم اهالی، را به پایه یگانه و ثابت کل دستگاه حکومتی، از پایین تا بالا، محلی تا مرکزی بدل می کند. بدین سان، این تنها حکومت شورایی است که می تواند از جمله خود اداری محلی و منطقه‌یی را در شکلی به نحو غیرقابل مقایسه وسیع تری از هر جای دیگر و بدون اعمال قدرت از بالا، تامین سازد. این وظیفه حزب است که لاینقطع به کارگران و دهقانان ایرانی توضیح دهد که این تنها قدرت شورایی است که می تواند به مثابه قدرت واقعی مردم زحمت کش، آنان را از استثمار و خودکامه گی مالکان ارضی به رهاوند. تحقق و اجرای صحیح این عالی ترین گونه دموکراسی در زنده گی [واقعی] ارتقاع مداوم سطح فرهنگی سازمانی، و فعالیت خود مختارانه توده ها را می طلبد.

۲. نظام حکومتی، شورایی برخلاف دموکراسی بورژوازی که ماهیت طبقاتی خویش را پنهان نگه می دارد، مادامی که تقسیم طبقاتی جامعه به کلی و هم راه آن قدرت حکومتی مضمحل نگشته است، علنا" به اجتناب ناپذیری ماهیت طبقاتی تمام حکومت ها اعتراف دارد. هدف حکومت شورایی، بنابر ماهیت خویش، داغانی بی رحمانه مقاومت استثمارگران، و از آن جا که همه ی آزادی ها اگر در تضاد با رهایی کار از یوغ سرمایه باشد، دروغی بیش نیستند، قدرت شورایی نمی تواند از سلب حقوق سیاسی از سرمایه داران صرف نظر کند. وظیفه حزب پرولتاریا این است که بدون هر گذشتی مقاومت استثمارگران را در هم شکنند، علیه پیش داوری هایی که در زمینه ماهیت مطلق حقوق و آزادی های بورژوازی ریشه عمیق دارند مبارزه ایده ئولوژیک کرده، توضیح دهد که محروم ساختن [سرمایه داران] از حقوق سیاسی و هر نوع محدودیت دیگر آزادی منحصر" چون اقدام موقتی برای مبارزه علیه کوشش های استثمارگران برای دفاع و استقرار مجدد امتیازات شان، امری ضروری است. اما با از بین رفتن امکان عینی استثمار انسان از انسان، ضرورت چنین

اقدامات موقتی نیز از میان خواهد رفت. حزب تدریجا" این اقدامات را محدود و سپس کلاً" از بین خواهد برد.

۳. دموکراسی بورژوایی، خود را به اشاعه صوری حقوق و آزادی‌های سیاسی چون آزادی‌های تجمع تشکل و مطبوعات متساویا" برای همه‌ی شهروندان محدود می‌ساخت، لکن در واقعیت، هم عمل زمام‌داری و هم، عمدتاً، برده‌گی اقتصادی کارگران، در چارچوب دموکراسی بورژوایی مانع از آن شد که ایشان از این حقوق و آزادی‌ها هرچه قدر هم که وسیع باشد، استفاده کنند.

برعکس، دموکراسی پرولتری به جای اعلام صوری حقوق و آزادی‌ها، آن‌ها را بیش و پیش از همه، درست در اختیار آن طبقات از جامعه می‌گذارد که زیر ستم سرمایه‌داری قرار داشتند، یعنی پرولتاریا و دهقانان. بدین منظور قدرت شورایی از اماکن، چاپ‌خانه‌ها، و انبار کاغذ بورژوازی سلب مالکیت خواهد کرد و آن‌ها را کاملاً" در اختیار کارگران و سازمان‌های آنان خواهد گذاشت.

۴. قرن‌هاست که دموکراسی بورژوازی برابری افراد را مستقل از جنس، مذهب، و نژاد و ملیت‌شان اعلام داشته است، اما سرمایه‌داری اجازه نمی‌داد این برابری حقوق در واقعیت تحقق یابد، و در مرحله امپریالیستی نیز به سرکوب ملی و نژادی خود تشدید هم بخشیده است. تنها از این رو که قدرت شورایی یک قدرت کارگری است که می‌تواند این تساوی حقوق را در همه زمینه‌ها و تا به آخر، یعنی از بین بردن کامل آخرین بقایای نابرابری زن در حقوق زناشویی و عمومی خانواده دنبال کند. وظیفه حزب در درجه اول در حال حاضر عبارت است از کار ایده‌ئولوژیک و آموزشی به منظور نابود ساختن تمام بقایای نابرابری سنتی و پیش‌دآوری‌ها، به ویژه در میان اقشار عقب‌مانده کارگری و دهقانان.

۵. قدرت شورایی به نحوی غیرقابل مقایسه با دموکراسی بورژوازی و پارلمانتاریسم، با تضمین امکانات عظیم تر انتخاب و بازخوان نمایندگان از ساده‌ترین و سهل‌ترین وسیله، برای کارگران و دهقانان. در عین حال جوانب منفی پارلمانتاریسم، به‌ویژه تقسیم بین قوه مقننه و قوه مجریه، جدایی بین سازمان‌های نماینده توده‌ها، را از میان بر می‌دارد.

۶. در حالی که دموکراسی بورژوازی علاوه بر اعلام‌های خود ارتش را به اسلحه‌یی در اختیار طبقات دارا بدل ساخت، و آن را از توده‌های زحمت‌کش جدا و علیه آنان متوجه ساخت، و از سربازان حقوق سیاسی را سلب نمود یا تحقق‌اش را برای آن‌ها دشواری ساخت، حکومت شورایی، کارگران و سربازان را بر اساس برابری کامل حقوق‌شان، یگانه‌گی منافع‌شان، در ارگان‌های خود متحد می‌سازد. وظیفه‌ی حزب عبارت است از دفاع و گسترش این اتحاد کارگران و سربازان در شوراها و تقویت این پیوند ناگسستنی بین نیروهای مسلح و سازمان‌های پرولتری و نیمه پرولتری.

۷. به سبب عقب‌مانده‌گی اقتصادی ایران، و ضعف کارگران در خود ایران، نقش مهمی در رهایی قطعی از استثمار توسط بورژوازی محلی و خارجی به عهده آن توده‌های کارگری [ایرانی] قرار می‌گیرد که در ترکستان و قفقاز هستند و هنوز رابط خود را با میهن از دست نداده‌اند.

در عین حال تمام اقدامات [لازم] را برای اتحاد نزدیک کارگران پیش قراول با پراکنده‌ترین توده‌های کارگری و نیمه کارگری روستاها و نیز دهقانان میانه حال به کار خواهد بست و به آن‌ها لاینقطع توضیح خواهد داد که این اتحاد برادرانه کارگران و دهقانان است که می‌تواند آنان را از ستم ارتجاع و برده‌گی طبقات دارا نجات بخشد.

در قلمرو نظامی

در قلمرو نظامی وظایف حزب مطابق اصول اساسی زیر تعیین می‌شوند:

۱. در عصر اضمحلال امپریالیسم و جنگ داخلی در سراسر جهان نه می‌توان ارتش سابق را حفظ کرد و نه ارتش جدیدی بر اساس به اصطلاح مافوق طبقاتی یا "تماما" ملی سازمان داد.

پس از پیروزی بر دشمنان کارگران و به منظور حفظ نتایج حاصل از این ظفر، ضروری است که بلافاصله به سازماندهی ارتش سرخ به مثابه ارتش دیکتاتوری پرولتاریا، دست زد. ارتش سرخ باید ماهیت طبقاتی روشنی داشته باشد، یعنی باید تنها از پرولتاریا و اقشار دهقانی و نیمه پرولتری که با آنان نزدیک هستند تشکیل یابد. تنها در رابطه با داغان ساختن طبقات است که چنین ارتشی به میلش "تماما" ملی سوسیالیستی بدل خواهد گشت.

۲. وسیع‌ترین آموزش نظامی برای تمام پرولترها و نیمه پرولترها و تعلیم رشته‌های متناظر در مدارس ضروری است.

۳. کار آموزش نظامی و تعلیم ارتش سرخ بر اساس اتحاد طبقاتی و آموزش سوسیالیستی انجام می‌گیرد. بدین دلیل حضور کمیسرهای سیاسی‌یی که از میان مطمئن‌ترین و وفادارترین کمونیست‌ها برگزیده می‌شوند، در کنار رهبران رزمی، و نیز ایجاد سلول‌های کمونیستی در هر یک از افواج به منظور تامین رابط داخلی و ایده‌ئولوژیک و دیسپلین آگاه، لازم است.

اتحاد سازمانی ضروری و ثبات را تنها می‌توان به کمک کادرهای فرماندهی به ارتش انقلابی جوان منتقل ساخت که در آغاز از محیط کارگران و دهقانان آگاه بسیج می‌شوند. بدین دلیل آماده‌سازی تواناترین، فعال‌ترین و وفادارترین سربازان

برای مقام فرماندهی در خدمت به سوسیالیسم یکی از خطرترین وظایف در امر ایجاد ارتش است. کاربست وسیع تجربه عملی و فنی جنگ جهانی اخیر ضروری است. در این زمینه لازم است متخصصین نظامی که از مدرسه ارتش سابق گذشته‌اند به وظیفه سازماندهی ارتش و رهبری عملی آن جلب گردند. و شرط جلب ایشان به نوبه خود عبارت است از تمرکز رهبری سیاسی ارتش و نظارت عمومی بر کادر فرماندهی در دست طبقه کارگر.

در قلمرو مناسبات ملی

۱. یک در تمام کشورها طبقات حاکم، هنگامی که پایه‌های حیات‌شان متزلزل می‌گردد، هم‌واره شووینیسیم ملی و مذهبی را مصنوعاً "دامن زده، بخشی از اهالی را علیه بخش دیگری برمی‌انگیزند، و بدین وسیله تسلط سیاسی خود را استحکام می‌بخشند. در ایران که ۱۵ ملیت و فرقه مذهبی در آن زنده گی می‌کنند، این مسئله [مسئله ملی و مذهبی] به نحوی حاد مطرح است. حزب باید برای توضیح این مطلب به کارگران و دهقانان که تنها دشمن آنان، مالکان ارضی و سرمایه‌داران هستند، که متقابلاً در مقابل انقلاب اجتماعی از یک‌دیگر حمایت می‌کنند، و این که فقط از طریق کوشش مشترک کارگران تمام ملیت‌ها می‌توان برای این دشمن فائق آمد، به شدیدترین تهییج (آریتاسیون) دست زد.
۲. حزب برای اتحاد فدراتیو همه ملیت‌های ساکن ایران جهد می‌کند.

در قلمرو مناسبات مذهبی

۱. با توجه به عقب‌افتاده‌گی و جهل توده‌های خلق، حزب کمونیست ایران بر همه اعضا واجب می‌داند که به دقت از هرگونه توهین به احساسات و عقاید مذهبی پرهیز کنند، زیرا چنین [عملی] تنها [به تشدید] تعصب مذهبی کمک خواهد کرد.

در قلمرو آموزش عمومی

۱. شاهنشاهان ایران، و هم‌راه آنان تمام گروه خان‌ها و مالکان، هرگز به فکر آموزش کارگران و دهقانان نبوده‌اند، زیرا هرچه مردم جاهل‌تر باشند، به همان نسبت نیز برای مالکان ارضی و سرمایه‌داران آسان خواهد بود که آنان را استثمار و سرکوب کنند. لکن توده‌های زحمت‌کش باید بدانند که برای رهایی قطعی از زنجیر برده‌گی و ستم باید نخست به مطالعه آن علوم می‌پردازند که تاکنون در خدمت منافع طبقات ثروت‌مند بوده است، و حزب کمونیست با تمام وسایل برای تاسیس یک شبکه وسیع مدارس خلقی در سراسر کشور جهد خواهد کرد.

۲. تاکنون فرزندان مالکان ارضی و سرمایه‌داران به مدارس و مدارس عالی‌ه راه داشتند؛ مدارس در دست اغنیا وسیله‌یی برای تحمیل برده‌گی به کارگران و دهقانان بود، لکن اکنون مدرسی که وسیله برده‌گی بودند، به وسیله رهایی بدل خواهند شد. به منظور تحقق این هدف حزب وظایف زیر را بر عهده می‌گیرد:

الف. تعلیم اجباری، رایگان و همه‌گانی برای همه اطفال تا سن ۱۵ ساله‌گی.

ب. ایجاد شبکه‌یی از موسسات برای کودکان به سن مدرسه نرسیده مانند؛

شیرخوارگاه، کودک‌ستان، پرورش‌گاه و غیره، و بهبود تعلیمات عمومی.

ج. به منظور این که اعضای جامعه برای جامعه کمونیستی از همه نقطه نظرها آماده شده و انکشاف یابند، در مدارس رابطه نزدیکی بین آموزش و کار اجتماعاً" مولد ایجاد خواهد شد.

د. خوراک، پوشاک، کفش و ابزار مطالعاتی تمام محصلین از طرف دولت تامین خواهد شد.

ه. تربیت کادرهای جدید از کارگران تعلیم یافته با تفکر کمونیستی.

و. کمک همه جانبه دولت برای خودآموزی کارگران، دهقانان و برای ایجاد شبکه‌یی از موسسات آموزشی خارج مدرسه، کتاب‌خانه، اکابر، خانه‌خلق، دانشگاه، دروس، کنفرانس، و مطالعات سینمایی.

ز. تاسیس مدارس عالی برای همه علاقه‌مندان و در درجه اول برای کارگران و دهقانان.

ح. انکشاف تبلیغات در وسیع‌ترین سطح برای افکار کمونیستی و استفاده از دستگاه و قدرت حکومتی برای این منظور.

در قلمرو اقتصادی

کشتار چهار ساله جهانی، اقتصاد جهانی را به شدت تضعیف کرده، و موجبات کمبود کالاهای مصرفی، بل هم‌چنین احتکار جنون‌آمیزی را فراهم آورده است. چنین وضعی به این می‌انجامد که برای مدتی طولانی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره از وفور کالاهای مصرفی که سابقاً از مراکز صنعتی اروپا و آمریکا می‌رسید، محروم خواهند گشت. لذا برای تخفیف این کمبود اجتناب‌ناپذیر

کالاهاى مصرفى و به منظور انكشاف نيروهاى مولده كشور، حزب كمونيست ايران اجراى اقدامات زير را ضرورى مى داند:

۲. انكشاف شوارع ارتباطى و مرتبط ساختن تمام مراکز فرهنگى و صنعتى كشور از طريق راه آهن.

۳. ملى كردن تمام كارخانه جات و موسسات صنعتى، ماهى گيرى و معادن و حمل و نقل راه هاى آبى و راه آهن.

۴. هماهنگ ساختن توليدكننده گان دستى بزرگ و صنعت گران در رشته هاى توليدى به منظور تسهيل گذار به شيوه هاى توليدى معاصر و اعطاي كمك هاى مالى و انواع ديگر به آن ها.

۵. مساعدت اتحاديه هاى كارگرى با تمام وسايل نه تنها به كارگران، بل هم چنين به شاگرد كارگران و صنعت گران فقير، بر حسب رشته توليد.

در قلمرو اقتصاد كشاورزى

۱. حزب كمونيست ايران مالكيت خصوصى بر زمين را ملغا مى سازد و آن را ميان دهقانان تقسيم كرده، خواهد كوشيد به يك سلسله اقدامات در جهت تحقق سازماندهى كشاورزى بزرگ بر پايه سوسياليستى جامه عمل به پوشاند.

۲. حمايت از كار در كشت اشتراكى.

۳. انتقال تمام اراضى مالكان ارضى و اوقافيه دهقانان زحمت كش.

۴. ايجاد شبكه يى از ايستگاه آزمائشى، مزارع نمونه، بهبود بخشيدن به اراضى دهقانان.

۵. ملى كردن املاك بزرگ نمونه.

۶. حمایت همه جانبه از [شرکت‌های] تعاونی که محصولات اقتصاد روستایی را عمل می‌آورند.

۷. دولت باید امور زیر را سازمان دهد:

۱. تهیه آلات کشاورزی برای این که در اختیار دهقانان فقیر و میانه حال قرار گیرد.

۲. تامین بذر خوب و کود شیمیایی برای دهقانان.

۳. اصلاح نژاد حیوانات دهقانان.

۴. اشاعه دانش ارگونومی^۲.

۵. تعمیر آلات کشاورزی دهقانان.

۶. سازماندهی کشت اراضی که زیر کشت نیستند توسط دولت.

۷. ملی کردن کل سیستم آبیاری و تکامل دادن و توسعه قنوات.

۸. حزب کمونیست ایران به منظور جلب دهقانان زحمت کش به سوی خود،

باید پس از ارضای اقتصادی آنان در زمینه ارضی، در میان آنان به تهییج لاینقطع دست زند و در روستاها کلوب و سلول‌های حزبی تاسیس کند.

۹. در مورد ایلات، حزب اقدامات لازم را برای تحصیل گذار بی‌دغدغه آنان به

زنده گی روستایی فراهم آورده، اراضی لازم را به رایگان برای تامین معاش آنان در اختیارشان خواهد گذاشت.

^۲ - دانش ارگونومی (*Ergonomics*) دانشی نو بوده و شاخه‌یی از علم مهندسی است که در آن از علوم زیستی برای بررسی رابطه بین انسان (غالباً نیروی کار) و محیط کار او استفاده می‌شود. طراحی درست و مناسب مشاغل، تجهیزات و محیط کار، بالارفتن سطح ایمنی، بهداشت، تطبیق کار با کارگر بر اساس ابعاد بدنی فرد و در نهایت رضایت شغلی و بهبود بهره‌وری است. اینترنت: بازنویس

در قلمرو امور بانکی

۱. در قلمرو مالی و بانکی، حزب اقدامات زیر را لازم می‌شمرد:

الف. ملی کردن بانک‌ها و تمام صندوق‌های دولتی.

ب. تبدیل بانک‌ها به ارگان‌های حساب و حساب‌داری عمومی جمهوری

شورایی، با این هدف که [بعدها] به حساب‌داری مرکزی جامعه کمونیستی بدل گردند.

در قلمرو امور مالی

۱. حزب بر طبقات دارا مالیاتی بی‌رحمانه خواهد بست و مالیاتی زحمت‌کشان

را سبک خواهد ساخت.

۲. حزب نظارت دقیق بر درآمدها و هزینه‌های دولتی را لازم شمرده، اقدامات

لازم را در جهت تنظیم یک بودجه واحد برای تمام کشور به عمل خواهد آورد.

در قلمرو مسئله مسکن

سرمایه‌داران و مالکان ارضی که به برکت عرق و خون کارگران میلیون‌ها

مداخل کرده‌اند، زنده‌گی خود را در کاخ‌ها و شهرهای ثروت‌مند به سر می‌برند،

در حالی که دهقانان و کارگران در زیرزمین‌های نمناک و مسکن فقیرانه ادامه

حیات می‌دهند. به خاطر حل مسئله وضع مسکن مردم زحمت‌کش، حزب اهداف

زیر را عهده دار می‌شود:

۱. غصب منازل و قصرهای بورژوازی بزرگ و مالکان ارضی و انتقال آن‌ها به موسسات دولتی و سازمان‌های کارگری.
۲. بنای کوی‌های کارگری در تمام شهرها.
۳. انتقال بخشی از منازل مالکان ارضی و سرمایه‌داران به منازل مسکونی کارگران شهری و روستایی.
۴. اعطای کمک مالی به کارگران و دهقانانی که مایل‌اند مطابق نقشه شورای محلی روی اراضی و به رایگان تعیین شده، برای خود خانه بسازند.
۵. به طور کلی هدف حزب این است که از ازدحام و وضعیت ضد بهداشتی محله‌های کهنه کارگری را از بین برده، منازل معیوب را خراب کرده، و منازل جدید متناظر با زنده‌گی جدید توده‌های کارگری بنا سازد.

در قلمرو بیمه‌های اجتماعی

طبقات دارا در زراندوزی خویش استثمار کارگران را تا حد سرسام‌آوری پیش رانده، کارگران را به ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار در شبانه روز وا داشته‌اند، چنین وضعی انحطاط توده‌های زحمت‌کش را موجب شده، مانع آن می‌شود که ایشان بتوانند مطلقاً "حتا یک یا دو ساعت در روز به سرگرمی‌های فرهنگی، کتاب‌خانه، مدرسه و غیره به پردازند.

حزب کمونیست ایران برای مطالبات زیر جهد خواهد کرد:

- الف. روز کار هشت ساعته برای همه رشته‌های کارگری و ۲۴ ساعت آزادی از کار با دریافت مزد.
- ب. شرکت کارگران در استخدام و اخراج.

ج. مرخصی یک ماهه با دریافت مزد برای کارگرانی که به مدت یک سال مداوم کار کرده باشند.

د. تنظیم دستمزد کارگران زن توسط حکومت.

ه. بیمه کامل اجتماعی تمام کارگرانی که کار دیگران را استثمار نمی کنند، از برای تمام انواع صدمات بر توانایی کار، بی کاری، از بودجه کارفرما و دولت و به اراده بلاواسطه خود زحمت کشان و شرکت وسیع اتحادیه های کارگری.

و. ممنوعیت کار کودکان به سن مدرسه تا ۱۴ ساله گی.

ز. اجرای سیستم دستمزد تشویقی از برای افزایش بازدهی کار.

حزب خواهد کوشید در چارچوب بیمه های اجتماعی کمک وسیع دولت را نه فقط از برای قربانیان جنگ و مصیبت های طبیعت، بل که هم چنین از برای قربانیان نابسامانی مناسبات اجتماعی تامین ساخته، علیه هرگونه زنده گی انگل منشانه و کاهلی مبارزه کرده، وظیفه خود می داند تمام کسانی را که از کار بیرون شده اند، به عرصه کار بازگرداند.

در قلمرو بهداشت عمومی

حزب وظیفه خود می داند که مصممانه اقدام بهداشتی زیر را در خدمت زحمت کشان انجام دهد:

۱. سالم سازی مناطق مسکونی (حفظ خاک، آب و هوا).

۲. سازماندهی و تنظیم تربیت عمومی بر اساس علمی و بهداشتی.

۳. سازماندهی اقدامات مانع از انکشاف و شیوع بیماری های واگیر.

۴. مبارزه علیه بیماری‌های اجتماعی، سل، بیماری‌های مقاربتی و الکلیسم و

غیره.

۵. تامین کمک پزشکی و دارویی با کیفیت رایگان همه‌گانی.^۳

به نقل از پژوهش‌نامه مسائل انقلاب و سوسیالیسم مانیفست ۴، تابستان ۱۳۵۴.

۳ - خسرو شاکری زند؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران؛

جلد ششم؛ ص ۹۵ لغایت ۱۰۵

دستورالعمل برای کمیته‌های حزب سوسیالیست - کمونیست ایران (عدالت)

با توجه به این که پیش‌رفت انقلاب در ایران به تشکیل کمیته‌های کمونیستی محلی (عدالت) دارد، ضروری است هرچه زودتر این کمیته‌ها را به منظور تشدید فعالیت حزب کمونیست ایران در ولایات و شهرها سازمان داد.

۱. اهداف کمیته‌های محلی حزب کمونیست به قرار زیر است:

- الف. پیوستن به انقلاب سیاسی، جنگ علیه امپریالیسم استعماری انگلستان؛ سرنگون ساختن دولت کنونی و ایجاد دولتی جدید.
- ب. تدارک تدارک قیام مسلحانه سازمان‌ها و گروه‌های حزبی به منظور تحقق انقلاب.

۲. وظایف فوری کمیته‌های محلی:

- الف. ایجاد یک کمیته مرکزی از میان اعضاء فعال، منظم و مورد احترام و علاقه همه‌گان به منظور [رهبری] اقدامات کمیته‌ها.
- ب. تدارک دیدن بخش‌های دیگر برای عضوگیری.
- ج. بیدار ساختن نیروها و سازمان‌های انقلابی تحت هدایت کمیته مرکزی.
- د. آماده ساختن گروه‌های محلی به منظور مبارزه انقلابی و قیام فوری تحت فرمان کمیته مرکزی.

۳. تاکتیک کمیته محلی به منظور تحقق اهداف فوق‌الذکر:

- الف. در جراید، بحث‌ها، جلسات و محافل تبلیغ برای نجات شرق از چنگال امپریالیسم انگلستان و علیه دولت کنونی که یکی از موانع اساسی در راه سعادت ایران است.

ب. تبلیغات فوری به منظور تجدید سازمان اتحادیه‌های صنفی که در سال‌های ۱۹۰۸ و ۱۹۰۶ توسط کارگران حرف مختلف ایجاد شدند، و برای تشکیل کارگران، بیدار ساختن آگاهی طبقاتی ایشان و تبلیغات در میان آنان در سراسر کشور اهمیت قابل ملاحظه‌یی را داراست.

ج. تدارک [تشکیل] سازمان جوانان که از نیروهای کمکی پر اهمیت برای هر عمل انقلابی است.

د. سازمان دادن سرویس اطلاعاتی و ارتباطی منظم با سایر گروه‌های حزبی در منطقه عملیات.

ه. کمیته‌های محلی موظف‌اند هر ماه گزارش اقدامات خود، اوضاع اقتصادی و سیاسی محل عملیات خود را از طریق کمیته‌های ایالتی ارسال دارند.

و. کمیته محلی می‌باید از یک منشی و دو عضو رهبری‌کننده که جلسات حزبی را فرا می‌خوانند، تشکیل خواهد شد. عده‌یی از اعضای هوش‌مند وظیفه خواهند یافت گروه‌های دیگری را در منطقه سازمان دهند.

ز. سازمان دادن این گروه‌ها در منطقه، همانند گروه‌های شهری خواهد بود.^۴

امضا - حیدرخان [عموغلی ژوئن ۱۹۲۰]

۴ - خسرو شاکری زند؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران؛

جلد ششم؛ ص ۱۰۶-۱۰۷